

Exploring the Grounds for Arab Convergence with the Zionist Regime Against Iran Based on Stephen Walt's Balance of Threat Theory

Asghar Rajabi dehbzoei¹, Mohammad Bidgholi²

¹ Assistant Professor, Department of Education, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran (**Corresponding author**). asgharrajabi021@gmail.com

² Assistant Professor, Department of Law, Varamin-Pishva Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. Mohammad.bidgoli@yahoo.com

Abstract

The objective of the present research is to explore the grounds for Arab convergence with the Zionist regime against Iran, based on Stephen Walt's Balance of Threat theory. The research method is descriptive-analytical, and the results indicate that the Arabs, emphasizing Iran's security threats, have developed their relations with the Zionist regime for reasons including American support for normalizing relations, the Arabs' involvement in internal crises, the weakening of Iran's anti-Zionist ideology, the existence of rifts among Arab countries, and changes in the regional power balance through various military, political, and economic collaborations. They consider the behavioral pattern of threat balancing as the best approach towards the Islamic Republic of Iran. It seems that the normalization of relations between the Arabs and the Zionist regime, like other conspiracies by the Western-Hebrew-Arab triangle in recent decades, will ultimately fail. This plot will not be a concerning issue because sooner or later, it will lead to the disgrace of countries aligned with the Zionist regime and the collapse of these artificial relationships. Given that normalization of relations, at best, will not extend beyond the level of state relations with the Zionist regime, it is suggested that the Islamic Republic of Iran maintain active diplomacy to keep the issue of Palestine alive and remind the Arab governments to heed the voices of their peoples who oppose normalization with the occupying Zionist regime.

Keywords: Stephen Walt's Balance of Threat Theory, Arabs, Iran, Zionist Regime, United States, Persian Gulf.

واکاوی زمینه‌های همگرایی اعراب با رژیم صهیونیستی در برابر ایران براساس نظریه موازنه تهدید استفان والت

اصغر رجبی‌دهبرزونی^۱، محمد بیدگلی^۲

^۱ استادیار، گروه معارف، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

asgharrajabi021@gmail.com

^۲ استادیار، گروه حقوق، واحد ورامین-پیشوا، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

mohammad.bidgoli@yahoo.com

چکیده

هدف پژوهش حاضر واکاوی زمینه‌های همگرایی اعراب با رژیم صهیونیستی در برابر ایران، براساس نظریه موازنه تهدید استفان والت بود. روش پژوهش توصیفی-تحلیلی بوده و نتایج نشان داد که، اعراب با تأکید بر تهدیدات امنیتی ایران به توسعه روابط خود با رژیم صهیونیستی به دلایلی ازجمله حمایت آمریکا از عادی‌سازی روابط، درگیر بودن اعراب با بحران‌های داخلی، تضعیف ایدئولوژی ضدصهیونیستی ایران، وجود شکاف و جدایی در میان کشورهای عربی و ایجاد تغییر در موازنه قدرت منطقه‌ای در سطح همکاری‌های مختلف نظامی، سیاسی و اقتصادی پرداخته‌اند و الگوی رفتاری موازنه تهدید را بهترین رویکرد در قبال جمهوری اسلامی ایران می‌دانند. به نظر می‌رسد، مسئله عادی‌سازی روابط اعراب و رژیم صهیونیستی همچون دیگر توطئه‌های مثلث غربی-عبری-عربی چند دهه گذشته، با شکست مواجه شده است و این توطئه، موضوع نگران‌کننده‌ای نخواهد بود؛ زیرا دیر یا زود، به رسوایی کشورهای هم‌پایه با رژیم صهیونیستی و فروپاشی این مناسبات جعلی، منتهی خواهد شد. با عنایت به این مسئله که عادی‌سازی روابط در بهترین حالت از سطح روابط رژیم صهیونیستی با دولت‌ها فراتر نخواهد رفت، پیشنهاد می‌گردد، جمهوری اسلامی ایران با دیپلماسی فعال سعی نماید، مسئله فلسطین را زنده نگه دارد و همچنین به حکومت‌های عربی متذکر شود که به صدای ملت‌هایشان که مخالف عادی‌سازی روابط با اشغالگران رژیم صهیونیستی هستند، گوش فرادهند.

کلیدواژه‌ها: نظریه موازنه تهدید استفان والت، اعراب، ایران، رژیم صهیونیستی، آمریکا، خلیج فارس.

استاد به این مقاله: لطفی، رجبی‌دهبرزونی، اصغر؛ بیدگلی، محمد (۱۴۰۳). واکاوی زمینه‌های همگرایی اعراب با رژیم صهیونیستی در برابر ایران براساس نظریه موازنه تهدید استفان والت. *سیاست‌پژوهی ایرانی*، ۱۱(۱)، ص ۹۱-۱۰۸.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۴/۱۱؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۲/۰۵/۱۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۲۳؛ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۳/۰۱/۰۵

ناشر: دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم

نوع مقاله: پژوهشی

© نویسندگان.



۱. مقدمه

در عرصه روابط بین‌الملل، مهم‌ترین مسائل زندگی بشر در سطح داخلی و بین‌المللی مقوله امنیت است. این امر در بین کشورهای مختلف با توجه به توانایی‌های نظامی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، فناورانه و... متغیر است (مختاری، ۱۳۹۹، ص ۱۲۸). بدون آگاهی و شناخت تحولات سیاسی، اجتماعی و بین‌المللی اواسط قرن بیستم و اوایل قرن بیست و یکم در رابطه با مسئله فلسطین و اعراب، نمی‌توان به درک صحیحی از ریشه‌های بحران در خاورمیانه کنونی نائل آمد. فضای امنیتی و روانی خاورمیانه با گذشت بیش از هفت دهه از موجودیت رژیم صهیونیستی، همچنان متأثر از تشکیل این دولت اشغالگر است. به همین جهت، شناخت این رژیم و آگاهی از سیاست‌ها و راهبردهای آن بسیار ضروری می‌نماید. رژیم صهیونیستی به دنبال توسعه راهبرد امنیتی از شامات به منطقه خلیج فارس است، تا از کشورهای عرب خلیج فارس به عنوان سپر امنیتی در برابر ایران استفاده کند. در این بین نیز، کشورهای عربی دنباله‌روی سیاست‌های غرب، از اراده و استقلال رأی برخوردار نیستند و گوش به فرمان ایالات متحده آمریکا می‌باشند. به طور مثال، در بحرین و امارات، خانواده خاصی از صد سال پیش در آنجا حکومت می‌کنند و تصمیم‌گیری‌ها در خصوص مسائل کشور و روابط خارجی به‌صورت خانوادگی و فردی است و مردم هیچ نقشی در تصمیم‌گیری ندارند. رژیم صهیونیستی سال‌هاست که با کشورهای عربی روابط غیررسمی دارد، اتفاقات سال‌های اخیر نیز موجب پررنگ‌تر و آشکارتر شدن روابط رژیم با اعراب گردید (عرب‌گری، ۱۴۰۰/۱/۲۸، ص ۲). رژیم صهیونیستی تلاش دارد با فراگیر کردن سیاست عادی‌سازی روابط با کشورهای عرب منطقه، جمهوری اسلامی ایران و کشورهای محور مقاومت را منزوی نماید، تا پازل اتحاد پیرامونی را تکمیل کند. از نظر کشورهای حاشیه خلیج فارس، رژیم صهیونیستی گزینه مناسبی برای جلوگیری از کاهش نقش ایالات متحده در منطقه است. این رژیم همچنین یک شریک تجاری ثروتمند محسوب می‌شود که دارای اقتصادی با فناوری پیشرفته است، که می‌تواند برای موازنه‌سازی بر علیه ایران، کمک شایانی به آنها نماید. از نظر رژیم صهیونیستی نیز، برقراری روابط حسنه با کشورهای عرب خلیج فارس، انزوای این رژیم را کاهش می‌دهد و راهی برای مقابله با فشار فلسطینیان برای مذاکره درباره یک کشور جدید خواهد بود؛ زیرا حمایت اعراب هم، ردیف اصلی این کارزار طولانی مدت محسوب می‌شود. این روابط از دهه گذشته قوی‌تر شده است؛ زیرا رژیم صهیونیستی و اعراب خلیج فارس، به یک هدف مشترک بر سر ایران رسیدند که هر دو طرف آن را، تهدید جدی برای امنیت ملی خود قلمداد می‌کنند.

در این راستا، هدف پژوهش حاضر پاسخ به این سؤال اساسی است که زمینه‌های همگرایی

اعراب با رژیم صهیونیستی در برابر ایران براساس نظریه موازنه تهدید استفان والت چیست؟ این پژوهش با روش اسنادی و با الهام گرفتن از نظریه موازنه تهدید استفان والت در تحلیل زمینه‌های همگرایی اعراب با رژیم صهیونیستی انجام شده است.

۲. پیشینه پژوهش

در خصوص همگرایی اعراب با رژیم صهیونیستی در برابر ایران از جهت نظری و تحقیقاتی، پیشینه‌ای چندان قوی وجود ندارد؛ به ویژه از دیدگاه استفان والت که تنها تعداد محدودی پژوهش انجام شده است؛ اما در خصوص زمینه‌های همگرایی اعراب با رژیم صهیونیستی به طور کلی، پژوهش‌هایی صورت گرفته است که در جدول شماره (۱) به برخی از آنها که در بعضی جنبه‌ها به این پژوهش نزدیک‌تر بودند، اشاره شده است.

جدول ۱- پیشینه پژوهش

منبع	اهداف یا سؤالات اصلی	مهم‌ترین یافته‌ها
حاجی یوسفی و نعمتی (۱۳۹۸) روش: توصیفی - تحلیلی	صفارائی عربستان سعودی با رژیم صهیونیستی از نگاه نظریه‌های روابط بین‌الملل	نظریه توازن تهدید استفان والت در تبیین عوامل ساختاری از کارائی بهتری برخوردار است.
عالیشاهی، فروزان، سلیمانی سوچلمائی (۱۳۹۹) روش: تحلیلی - توصیفی	تأثیر ائتلاف راهبردی امارات و رژیم صهیونیستی بر امنیت خلیج فارس	این تحقیق با استفاده از نظریه موازنه تهدید نشان داد که روابط امارات و رژیم صهیونیستی به تدریج به تنش‌زدایی و ایجاد رابطه منجر می‌گردد.
کمالی، الهامی و نبی‌زاده (۱۴۰۰) روش: تحلیل مضمون	روابط سیاسی رژیم صهیونیستی و کشورهای حوزه خلیج فارس و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران	اهداف عادی‌سازی روابط رژیم صهیونیستی و اعراب خلیج فارس را می‌توان ذیل سه مضمون اصلی «ایجاد کمربند امنیتی در مقابل ایران، اهداف نظامی و تسهیل در فرایند سازش» صورت‌بندی کرد. در مقابل، راهبردهای جمهوری اسلامی ایران در مقابل تهدیدات امنیتی را باید ذیل سه محور «موازنه میان آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی، گسترش همکاری‌های منطقه‌ای و افزایش توان نظامی و قدرت ملی» قرار داد.
جانسیز و اعجازی (۱۴۰۰) روش: مطالعه موردی	تحلیل رابطه بین ایران و ایالات متحده آمریکا از منظر موازنه تهدید (۲۰۲۱-۲۰۱۶)	جمهوری اسلامی ایران برای ایالات متحده آمریکا یک تهدید فوری و قریب‌الوقوع به‌شمار نمی‌آید؛ اما ایالات متحده آمریکا می‌تواند یک تهدید نسبی و در عین‌حال جدی برای امنیت جمهوری اسلامی ایران باشد.
عباسی، قیاسی و باباجانی‌پور (۱۳۹۲) روش: توصیفی - تحلیلی	راهبرد اتحاد پیرامونی رژیم صهیونیستی و نظریه موازنه تهدید در روابط بین‌الملل	رژیم صهیونیستی راهبرد اتحاد پیرامونی را به عنوان مینا و اساس حفظ امنیت و بقای خود برگزیده است.

۳. چارچوب نظری پژوهش

نظریه موازنه قدرت دارای چنان صلابت بنیادی است که نمی‌توان فرضیات آن را کاملاً مردود شمرد. هنوز هم این نظریه پنجره‌هایی از واقعیت را به روی پژوهشگران می‌گشاید (سیف‌زاده، ۱۳۸۴، ص ۲۴۷). واقع‌گرایی نیز، یکی از قدیمی‌ترین نگرش‌ها در عرصه توضیح و تبیین مسائل بین‌المللی است. مهم‌ترین ویژگی روش‌شناسی واقع‌گرایان در سه مفروضه زیر نهفته است:

♦ دولت را می‌توان به عنوان یک بازیگر یا کنشگر در نظر گرفت؛

♦ دولت همچون فرد از هدف و جهتی برخوردار است؛

♦ در دولت کنش عقلانی وجود دارد؛ زیرا امنیت، هدف اصلی سیاست خارجی تلقی می‌شود.

از دیدگاه واقع‌گرایانی چون کنت والتز^۱، دولت‌ها تنها بازیگران در عرصه جهانی هستند که بدنبال منافع ملی‌اند؛ از این‌رو، امنیت ملی با قدرت این بازیگران ارتباط مستقیم دارد (دویچ، ۱۳۷۵، ص ۲۴۱). والتز معتقد است که، به طور رسمی هر دولتی با سایر دولت‌ها برابر است، هیچ‌کس حق امر و نهی به آن را ندارد و مجبور به اطاعت از هیچ‌کس نیست. علاوه بر آن، استقلال نه تنها یک حق است؛ بلکه هنجاری است که مورد پذیرش واقع شده است. بنابراین، هنجاری برای برابری حاکمیت دولت‌ها است؛ زیرا گفتن اینکه دولت‌ها از لحاظ قانونی یا رسمی با دیگر دولت‌ها برابر هستند، نه تنها به لحاظ تجربی پذیرفته شده؛ بلکه از نظر هنجاری نیز مورد پذیرش واقع شده است (جکسون و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۱۱۶). واقع‌گرایان از سیاست جهان، تصویر نسبتاً تیره‌ای ترسیم می‌نمایند. از نظر آنها نظام بین‌الملل میدان مبارزه است که در آن کشورها به صورت بی‌رحمانه به دنبال فرصت‌هایی هستند تا بتوانند از یکدیگر بهره‌برند یا امتیاز بگیرند؛ در نتیجه اعتماد جایی در این عرصه ندارد (عبدالله‌خانی، ۱۳۸۳، ص ۶۲). واقع‌گرایان معتقدند، چنانچه دولتی نتواند امنیت خود را حفظ کند، قادر بر انجام هیچ کاری نخواهد بود. تحت این شرایط، نیروی نظامی کارآمد برای حمایت دیپلماسی، سیاست خارجی و در نهایت تأمین امنیت ضروری است در مقایسه با توانایی نظامی، توانایی اقتصادی نقش کم‌تری را در امنیت ملی ایفا می‌کند (قوام، ۱۳۸۴، ص ۳۵۷).

عدم تحقق فرضیه موازنه قوا علیه ایالات متحده پس از جنگ سرد، یکی از متفکران نظریه نئورئالیسم را که بعدها به نئورئالیسم^۲ واقع‌گرا معروف شد - به نام استفان والت - به سوی جابجایی نقطه تمرکز واقع‌گرایی از موازنه قدرت به موازنه تهدید سوق داد. استفان معتقد است که غیرعادی بودن عدم موازنه دولت‌ها در برابر آمریکا، هنگامی که تمرکز را نه بر قدرت، بلکه بر تهدید بگذاریم،

1. Kenneth Waltz

2. Neorealism

از بین می‌رود. بنابراین، به اعتقاد وی قدرت‌ها در مقابل افزایش قدرت سایرین دست به موازنه نمی‌زنند؛ بلکه در مقابل، آنچه باعث می‌شود کشورها به توازن روی آورند، میزان تهدیدی است که درک می‌کنند. از نظر والت، دولت‌ها در مقابل درک تهدید دو نوع سیاست را در پیش می‌گیرند، اول آنکه کشور یا کشورهایی که مورد تهدید واقع شده‌اند، به خاطر وجود تهدید و براساس اصل توازن تهدید، به توازن دست می‌زنند؛ یا اینکه کشور و کشورهای مورد تهدید، سیاست همراهی را در پیش می‌گیرند؛ یعنی به منظور حفظ و تأمین امنیت خود با طرف تهدیدکننده متحد می‌شوند. در رابطه با حالت نخست، والت معتقد است در شکل‌گیری یا عدم شکل‌گیری موازنه در برابر قدرت یا قدرت‌های برتر، علاوه بر متغیر قدرت (توانایی)، سه متغیر دیگر نیز تأثیرگذار هستند. او استدلال می‌کند، ائتلاف‌های توازن دهنده، در قبال تهدید شکل می‌گیرند؛ تهدیداتی که می‌توانند از قدرت (توانایی)، مجاورت، قابلیت‌های تهاجمی و نیات تهاجمی نشأت بگیرند. موارد ذکر شده به‌مثابه متغیرهای مستقلی انگاشته می‌شود، که تغییر در هر یک، دیگر دولت‌ها را به احتمال فراوان به احساس تهدید و اتخاذ اقدامات موازنه‌ای می‌کشاند (لیتل، ۱۳۸۹، ص ۳۱).

موازنه در چارچوب نظری والت براساس نیاز به ترس شکل می‌گیرد، و نه انباشت صرف قدرت. همچنین، آنچه تعادل را ایجاد می‌کند، نیت خصمانه به معنای تلاش برای جایگزینی قدرت برتر است. به عبارت دیگر، افزایش قدرت چالش برانگیز، به تنهایی تعادل ایجاد نمی‌کند، بلکه ماهیت قدرت کشور در حال افزایش است و این امر تعادل را ایجاد می‌کند. معادله شامل قدرت و نیات صاحبان قدرت می‌شود. در تعریف والت، دولت‌ها به دنبال افزایش قدرت نسبی خود بر سایر دولت‌ها هستند، در غیر این صورت دولت‌ها به جایی می‌رسند که برای جلوگیری از هزینه‌های غیرضروری یا شکست، باید با قدرت فزاینده، تسلیم یک متجاوز شوند (دهشیار، ۱۳۹۱، ص ۲۹۷). والت باور دارد که کشورها بر پایه توازن قوا عمل نمی‌کنند؛ بلکه توازن تهدید را ملاک قرار می‌دهند (مصلی‌نژاد، ۱۳۹۰، ص ۱۹۷). با توجه به این توضیحات مشخص می‌گردد که رژیم صهیونیستی بر پایه متغیر قدرت به موازات افزایش قدرت جهان عرب و در سال‌های پس از انقلاب جبهه مقاومت، به اتخاذ اقدامات موازنه‌ای عمل کرد. خرید سلاح و مدرن‌سازی ارتش و تشکیل اتحاد عربی علیه رژیم صهیونیستی، از جمله توانایی‌های تهدیدزای کشورهای عربی علیه رژیم صهیونیستی بوده است. در متغیر مجاورت جغرافیایی نیز، با توجه به فاصله نزدیک جغرافیایی کشورهای عربی و اسلامی، افزایش ظرفیت تهدیدزایی آنها، نسبت به رژیم صهیونیستی مشاهده می‌شود. به این صورت که فقدان عمق استراتژیک و مجاورت با کشورهای عربی باعث شده بود تا سرزمین‌های اشغالی در طول جنگ‌های مختلف از سوی جبهه عربی مورد تهاجم قرار گیرد. در متغیر قدرت تهاجمی (نظامی و

غیرنظامی) دشمنان رژیم صهیونیستی، میزان تهدیدزایی این دولت‌ها افزایش پیدا می‌کند. با این حساب، نیات تهاجمی باعث منطق اتحاد پیرامونی رژیم صهیونیستی گردید و کشورهای هم‌پیمان را به تشکیل ائتلاف جهت مقابله با دولت توسعه‌طلب و تهاجمی واداشت.

۴. روش تحقیق

پژوهش حاضر به واکاوی زمینه‌های همگرایی اعراب با رژیم صهیونیستی در برابر ایران می‌پردازد. برای جمع‌آوری اطلاعات، روش اسنادی و مبتنی بر تفسیر متن، مورد استفاده قرار گرفت. روش‌های اسنادی در زمره روش‌ها یا سنجه‌های غیرمزاختم و غیرواکنشی به‌شمار می‌آیند. مراجعه به اسناد و مدارک، در پژوهش‌های تاریخی یا بررسی‌هایی انجام می‌شود، که موضوع آن‌ها، مطالعه پژوهش‌های پیشین درباره پدیده‌های موجود است، یا پژوهش‌هایی که موضوع آن‌ها این مراجعه را ایجاب می‌کند (ساروخانی، ۱۳۸۹، ص ۲۵۴). در این روش دو مرحله گردآوری و سپس تحلیل، تبیین و داوری، قابل تصور است. دستاوردهای این پژوهش از نوع کاربردی است.

۵. روابط ایران و رژیم صهیونیستی

تأسیس رژیم صهیونیستی در اردیبهشت سال ۱۳۲۷ با حمایت آمریکا و انگلستان اتفاق افتاد. یک سال بعد از تأسیس رژیم صهیونیستی، در ۲۳ اسفند ۱۳۲۸ دولت محمد ساعد (نخست وزیر ایران)، رژیم صهیونیستی را به رسمیت شناخت و روابط سیاسی خود را برقرار نمود. اولین سفیر رژیم صهیونیستی به نام منیر عزری^۱ در سال ۱۳۴۶ به ایران آمد و پس از آن، سفارت رژیم صهیونیستی به طور رسمی در ایران آغاز به کار کرد و تا پیروزی انقلاب اسلامی فعالیت‌های خود را ادامه داد (رجبی ده برزوئی و همکاران، ۱۴۰۱، ص ۶۲). اما پس از انقلاب ایران، یکی از علل مهم دشمنی ایران با رژیم غاصب رژیم صهیونیستی، این است که اساساً رژیم جلاد صهیونیست یک کشور یا دولت نیست، بلکه فقط برای دشمنی با ملت‌های مسلمان تأسیس شده است. پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، علی‌رغم اعتقادات اسلامی مردم ایران که دفاع از مظلوم سرلوحه آن بود، خاندان پهلوی با رژیم صهیونیستی رابطه خوبی برقرار کردند؛ همین موضوع باعث شد مردم ایران به حمایت از ملت فلسطین برخیزند و با آنها علیه رژیم صهیونیستی همسو شوند؛ اما رژیم پهلوی به دلیل آنکه رژیم صهیونیستی را هم‌پیمان آمریکا می‌دانست، با این رژیم، روابط دوستانه برقرار می‌کرد. از سوی دیگر، رژیم صهیونیستی نیز، وجود هم‌پیمانی به مانند شاه در منطقه را برای خود فرصت مناسبی می‌دانست؛ زیرا در کشاکش درگیری‌های بین اعراب و رژیم صهیونیستی، خاندان پهلوی می‌توانست

کمک‌های بسیاری را به این رژیم داشته باشد.

سرانجام با پیروزی انقلاب اسلامی مردم ایران، معادلات تغییر کرد و رژیم صهیونیستی که تا دیروز ایران را شریک استراتژیک خود می‌دانست، با خشم ملت ایران و به تبع، برخورد حکومت اسلامی مواجه شد. تنها به فاصله چند ساعت از پیروزی انقلاب اسلامی، سفارت رژیم صهیونیستی که در خیابان کاخ سابق (خیابان فلسطین فعلی) قرار داشت، به تسخیر مردم انقلابی درآمد و تابلوی سفارت فلسطین بر سر در آن نصب شد. نکته جالب ماجرا آنجا بود که پس از این واقعه، سفارت فلسطین در ایران، نخستین سفارت فلسطین در جهان شد. این تحول به این معنا تعبیر می‌شود که جمهوری اسلامی تنها در مقام حرف از آرمان‌های قدس و فلسطین حمایت نمی‌کند، بلکه ایران اسلامی اگر حرفی بزند، پای آن خواهد ایستاد؛ همان‌گونه که پای حرف خود در دفاع از مظلوم در برابر ظالم در سرتاسر دنیا تاکنون ایستاده است (رجبی ده برزویی و همکاران، ۱۴۰۱، ص ۱۵۸).

۶. روابط اعراب و اسرائیل

عادی‌سازی رابطه اعراب و رژیم صهیونیستی از زمان انور سادات کلید خورد و برخی از کشورهای عربی، رابطه پنهانی خویش با رژیم صهیونیستی را با فراز و نشیب و در مقاطع مختلف آغاز کردند. تأمین منافع نظام سلطه، ضربه زدن به جبهه مقاومت، سرکوب نیروهای فلسطینی و مشروعیت‌بخشی به اشغالگری رژیم صهیونیستی، از اهداف عادی‌سازی کشورهای عربی با این رژیم جعلی است. ناکارآمدی و بی‌ارادگی سازمان همکاری اسلامی در مقابل روند عادی‌سازی کشورهای عربی با رژیم صهیونیستی و حتی سکوت در مقابل رویکرد ستیزه‌جویانه رژیم صهیونیستی علیه شهروندان فلسطینی را می‌توان مؤلفه‌ای مهم از سیاست تغییر یا چرخش روند سیاست‌گذاری سازمان همکاری اسلامی برای تعامل با رژیم صهیونیستی قلمداد کرد. درنهایت، روند عادی‌سازی روابط میان کشورهای اسلامی به چرخش بزرگ سیاست‌گذاری جهان اسلام مقابل رژیم صهیونیستی کمک خواهد کرد (آقازاده، ۱۳۹۹، ص ۲).

عربستان روابط خود را با رژیم صهیونیستی بدون ارتباط مستقیم با پیشرفت در حل مسئله نظامی فلسطین و رژیم صهیونیستی پیش برد. روابط میان واشنگتن و ریاض و آمادگی آمریکا برای رهبری عادی‌سازی روابط در خاورمیانه اهمیت زیادی دارد. تقویت روابط با آمریکا جزو منافع عالی عربستان است. در سال‌های اخیر محافل عربستانی درباره تمایل آمریکا برای حمایت از منافع عربستان دچار تردید شده‌اند و احتمالاً عربستانی‌ها در ازای تغییر در موضع واشنگتن در قبال ریاض - از جمله دریافت ضمانت‌هایی علیه ایران و گشودن صفحه جدیدی با محمد بن سلمان که به او مشروعیت بیشتری را برای حکمرانی بدهد - با رژیم صهیونیستی سازش‌هایی داشته‌اند. برای علنی

کردن روابط و گسترش آن، خاندان حاکم عربستان باید حساسیت‌های داخلی و خارجی و تأثیر آن بر جایگاه عربستان را به ویژه به عنوان حافظ اماکن مقدس مسلمانان و ثبات آن رفع کنند. عربستان خواهان آغاز مذاکره میان رژیم صهیونیستی و فلسطینی‌ها، ولو به عنوان بهانه‌ای برای نزدیک شدن به رژیم صهیونیستی خواهد بود. عربستان به اقدامات خود برای روابط با رژیم صهیونیستی به صورت تدریجی و متفاوت با توافق‌نامه‌های ابراهیم ادامه می‌دهد. در این باره می‌توان گشایش حریم هوایی عربستان به روی هواپیماهای رژیم صهیونیستی در جریان سفر بایدن به جدو را مثال زد. ادامه و گسترش توافق‌نامه‌های سازش برای تحقق روابط میان عربستان و رژیم صهیونیستی مهم است؛ زیرا می‌تواند به پیوستن عربستان به توافق‌نامه‌های عادی‌سازی روابط مشروعیت بدهد.

در بررسی روابط امارات و رژیم صهیونیستی مشخص می‌شود که طرفین ظرف دو دهه اخیر از روابط پنهان و آشکاری در عرصه‌های مختلف، به ویژه حوزه‌های امنیتی و اطلاعاتی برخوردار بوده‌اند که در ادامه به برخی از آنها اشاره می‌شود:

الف) قرارداد با شرکت ای. جی. تی. اینترنشنال:^۱ سوئیس با مالکیت سرمایه‌گذار یهودی با هدف تأمین ادوات امنیتی و تجسس در حوزه زیرساخت امارات متحده عربی و شرکت مزبور در زمینه‌های انرژی‌های فسیلی (نفت و گاز)، فروش پهپادهای جاسوسی با نام «سیستم چشم‌های کوچک» با کشور امارات همکاری داشته است.

ب) همکاری و عقد قرارداد با شرکت ان. اس. او (N. S. O): این شرکت اجازه فروش و صادرات تجهیزات مزبور به تعدادی کشورهای طرف قرارداد از جمله امارات را از سازمان عفو بین‌المللی اخذ کرده است.

ج) در حوزه همکاری‌های نظامی: مشارکت در مانورهای مشترک از جمله مانور پرچم سرخ در حوزه هوافضا با نظارت و فرماندهی نیروهای آمریکایی و مشارکت رژیم صهیونیستی انجام شده است.

د) در دیپلماسی فرهنگی و ورزشی: از همکاری‌های دو طرف با سفر وزیر فرهنگ و ورزش رژیم صهیونیستی در اکتبر ۲۰۱۸ به ابوظبی و همراهی وزیر مخابرات این رژیم به منظور شرکت در همایش نمایندگان سیستم‌های مخابراتی در دبئی، دیدار وزیر خارجه رژیم صهیونیستی از ابوظبی در ۲۰۱۹ جهت مشارکت در همایش محیط زیست و دیدار وزیر دادگستری رژیم صهیونیستی به همراه دادستان عمومی از امارات با هدف شرکت در همایش مبارزه با فساد در دسامبر ۲۰۱۹ می‌توان یاد کرد. همچنین دیدار مقامات ورزشی و ورزشکاران رژیم صهیونیستی در امارات متحده عربی، اقدام

دیگر در تقویت همکاری‌های دو طرف بود (فردوسی‌پور، ۱۳۹۹، ص ۲).

عادی‌سازی روابط برای کشورهای عربی نیز در بردارنده تهدید و چالش است؛ زیرا عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی می‌تواند، واکنش‌های منفی در عربستان و امارات ایجاد کند. در این بین، عربستان سعودی با بیشترین خطرات در این رابطه مواجه است؛ زیرا واکنش‌های اعتراض‌آمیز در کشورهای عربی نسبت به عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی، تنها مربوط به واکنش‌های خیابانی نمی‌شود و در عربستان همگرایی حاکمیت این کشور با رژیم صهیونیستی می‌تواند مشروعیت ملک سلمان و محمد بن سلمان را متزلزل کند.

۷. دکترین نظامی رژیم صهیونیستی

رژیم صهیونیستی به دنبال این است که کل روایت تاریخی درگیری با فلسطین را از درون خالی کرده و به تدریج آن را با روایت خود جایگزین کند. رژیم صهیونیستی ادعا می‌کند، فلسطین در واقع سرزمین موعود قوم یهود است و فلسطینیان هرگز به عنوان یک ملت وجود خارجی نداشته‌اند. این روایت مبتنی بر باور دیرینه صهیونیستی است که فلسطین را در واقع سرزمینی بدون مردم برای مردمی (یهودیان مهاجر) بدون سرزمین می‌داند. برای تحقق بخشیدن به آن نیز می‌بایست یک دولت تمام یهودی وجود داشته باشد که پیوسته در حال گسترش است و این گسترش لزوماً با اشغال سرزمین‌های عربی بیشتر همراه نیست، بلکه از طریق دستکاری تاریخ برای به دست آوردن جای پای در اذهان آنها حاصل می‌شود. اکنون صلح برای رژیم صهیونیستی به معنای عادی‌سازی به هر قیمتی است که در نهایت به قیمت نابودی فلسطینی‌ها انجام گیرد. بنابراین، استراتژیک نظامی رژیم صهیونیستی یک استراتژی دفاعی تعریف شده است که باید به طور تهاجمی به اجرا درآید؛ زیرا به دلیل نداشتن عمق استراتژیک و آسیب‌پذیری نیروهای نظامی، رژیم صهیونیستی تلاش می‌کند تا نبرد را به قلمرو دشمن خود منتقل کند (عابدی، ۱۴۰۱/۶/۱۶، ص ۳).

سازمان‌های جاسوسی در سراسر جهان همواره به صورت دولت‌های نامرئی در تمام تحولات، حوادث و آشوب‌های سیاسی بزرگ و کوچک دخالت دارند. بیشتر سیاست‌گذاری‌ها در رژیم صهیونیستی مبتنی بر ارزیابی‌های جاسوسی و اطلاعاتی است و در واقع، پایه و اساس این رژیم بر فعالیت‌های جاسوسی بنا شده است. همچنین ارتباط زیادی میان سطوح سیاسی و اطلاعاتی وجود دارد. راهبرد سرویس‌های جاسوسی رژیم صهیونیستی، حفظ و بقای این رژیم در منطقه را رقم می‌زند و روش‌های عملیاتی آنها دارای یک نوع تفکر خاصی است که به اندیشه‌های سیاسی و نظام سیاسی آنان برمی‌گردد. رژیم صهیونیستی از یک تفکر خاص پیروی می‌کند که حالت افراط‌گرایی و تهاجمی به دیگر نژادها و ملل دارد؛ به طور مثال، تعدی و تجاوز به خاک دیگر کشورها به ویژه کشورهای

همسایه فلسطین اشغالی، جلوگیری از نفوذ به داخل خاک این رژیم، سرکوب و ایجاد رعب و وحشت در داخل علیه اعراب و غیر یهودیان، از سیاست‌های ثابت این رژیم است.

۸. پیامدهای روابط اعراب با رژیم صهیونیستی بر امنیت ایران

اقدام بدون محاسبه دو کشور حوزه خلیج فارس در عادی‌سازی روابط با رژیم اشغالگر قدس، فضا را برای بازی سیاسی و دیپلماتیک این رژیم در جهان عرب و خاورمیانه باز کرد و کشورهای عربی را در باتلاق اختلافات میان خود با سوء استفاده این رژیم از این فرصت، فرو برد. پیش از این، فقط مصر و اردن با رژیم صهیونیستی قرارداد صلح امضاء کرده بودند و عمده کشورهای عربی فاقد رابطه دیپلماتیک با رژیم صهیونیستی بودند؛ اما رژیم صهیونیستی حالا با تعداد بیشتری از کشورهای عربی روابط برقرار می‌کند و این به آن معناست که مقامات و دیپلمات‌های رژیم صهیونیستی در خاورمیانه تحرک بیشتری خواهند داشت.

پیامد دوم، امارات متحده عربی به پایگاه رسمی عملیات موساد و دیگر سرویس‌های اطلاعاتی رژیم صهیونیستی تبدیل شد؛ که در واقع، تحول بزرگی در روند اقدامات جاسوسی، امنیتی و تخریبی رژیم صهیونیستی در منطقه به وجود خواهد آورد و دامنه اقدامات تخریبی آن در شعاع قابل توجه‌ای، کشورهای پیرامونی امارات و به ویژه جمهوری اسلامی ایران را هم دربر خواهد گرفت. پیامد سوم اینکه، این احتمال وجود دارد که روند عادی‌سازی روابط این کشورها با رژیم صهیونیستی منجر به همکاری‌های نظامی و امنیتی و حتی مشارکت این کشورها در مانورهای نظامی مشترک با این رژیم شود. در این صورت، شرایط امنیتی جدیدی در منطقه حاکم خواهد بود که بیشترین آسیب آن به این کشورها خواهد رسید.

پیامد چهارم آنکه، اقدامات ایدایی رژیم صهیونیستی در امارات برای اخلال در مناسبات تجاری ایران با دبی است. احتمال حضور شرکت‌های رژیم صهیونیستی در امارات موضوعی است که رسانه‌های رژیم صهیونیستی روی آن تبلیغات زیادی کرده‌اند؛ ولی واقعیت آن است که این حضور از سوی مردم منطقه قابل پذیرش نخواهد بود؛ ضمن آنکه برخی مقامات رژیم صهیونیستی از جمله، افرایم هالوی^۱ رئیس پیشین موساد گفته است، حضور رژیم صهیونیستی‌ها در منطقه می‌تواند به عنوان اهدافی از سوی ایران مدنظر قرار گیرد. او اعتقاد دارد که تهدید به خصوصی علیه رژیم صهیونیستی در پی نهایی شدن عادی‌سازی با روابط بحرین به وجود نخواهد آمد، اما یک تهدید جدی بالقوه وجود دارد، مبنی بر اینکه احتمال دارد ایرانی‌ها از این فرصت برای حمله به رژیم صهیونیستی استفاده کنند.

به زعم وی، این توافق، آرایشی جدید در موازنه قوای منطقه‌ای ایجاد خواهد کرد که سطح تنش‌ها در منطقه را به ویژه با ایران، دوچندان خواهد نمود؛ تاحدی که مسابقه تسلیحاتی سنگین، از پیامدهای آن باشد (عبداللهی، ۱۳۹۹/۶/۳، ص ۲).

۹. زمینه‌های همگرایی رژیم صهیونیستی با اعراب در برابر ایران براساس نظریه استفان والت

آنچه باعث حرکت کشورها به سوی توازن می‌شود، میزان تهدیدی است که ادراک می‌گردد. هرگاه دولت‌ها احساس کنند که موجودیت یا منافع آنها از سوی دیگر دولت‌ها با تهدید روبروست، با اتحاد با یکدیگر به موازنه در برابر آنها می‌پردازند (حاجی یوسفی و همکاران، ۱۳۹۸، ص ۸۰). از دیدگاه استفان والت، دولت‌ها در مقابل کشورهایی که منشأ بیشترین تهدید هستند، متحد می‌شوند؛ در این حالت لزوماً دولت یا دولت‌های تهدیدکننده جزء قوی‌ترین دولت‌ها نیستند (مشیرزاده، ۱۳۸۶، ص ۱۳۵). اعراب در سال‌های اخیر به طور همزمان با تغییراتی در منطقه خلیج فارس مواجه بوده‌اند، که کاهش حمایت‌های ایالات متحده آمریکا و سست شدن پایه‌های استراتژیک با این کشور و افزایش نفوذ منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران از جمله آنهاست.

عادی‌سازی روابط بین تل‌آویو و کشورهای عربی در زمینه‌های سیاسی، امنیتی، اقتصادی و حتی ورزشی در سال گذشته، به بالاترین سطح خود رسیده است. این در حالی است که طی سال‌های اخیر، داشتن روابط آشکار کشورهای عربی با رژیم صهیونیستی قبح داشت و به همین جهت، دیدارهای دوجانبه به صورت مخفیانه و پنهانی صورت می‌گرفت. اما از سال گذشته دیدارها به صورت آشکار و علنی صورت گرفته است. نخستین پیامد منفی عادی‌سازی روابط کشورهای عربی با تل‌آویو برای جمهوری اسلامی ایران، شکل‌گیری تهدیدات امنیتی است. بدین مفهوم که برقراری روابط دیپلماتیک و رسمی کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس با رژیم صهیونیستی، به معنای نزدیکی تل‌آویو به مرزهای جنوبی ایران خواهد بود. اعراب با تأکید بر تهدیدات امنیتی ایران به توسعه روابط خود با رژیم صهیونیستی به دلایلی از جمله، حمایت آمریکا از عادی‌سازی روابط، درگیر بودن اعراب با بحران‌های داخلی، تضعیف ایدئولوژی ضدصهیونیستی ایران، وجود شکاف و جدایی در میان کشورهای عربی و ایجاد تغییر در موازنه قدرت منطقه‌ای در سطح همکاری‌های مختلف نظامی، سیاسی و اقتصادی پرداخته‌اند و الگوی رفتاری موازنه تهدید را بهترین رویکرد در قبال جمهوری اسلامی ایران می‌دانند. در ادامه این دلایل بررسی خواهند شد.

۱۰. حمایت ایالات متحده آمریکا از عادی‌سازی روابط

یکی از دلایل عمده تشدید روند عادی‌سازی روابط رژیم صهیونیستی با کشورهای عربی،

حمایت گسترده واشنگتن است. همان‌طور که در گذشته روابط ایران با رژیم صهیونیستی در مسیر عکس روابط این رژیم با اعراب قرار داشت؛ به دلیل حضور ایران عصر پهلوی در بلوک غرب و وابستگی آن به آمریکا، این کشور به همراه ترکیه از معدود کشورهای جهان اسلام بودند که رابطه مناسبی با رژیم صهیونیستی داشتند (کمالی و همکاران، ۱۴۰۰، ص ۱۵۶). رهبران عرب به دلیل هراس از دست دادن تاج و تخت خود، خواهان رابطه با رژیم صهیونیستی به منظور جلب حمایت و کسب رضایت آمریکا هستند. در واقع انگیزه کشورهای عربی برای عادی‌سازی روابط با تل‌آویو، به این تفکر اشتباه بازمی‌گردد که «راضی نمودن رژیم صهیونیستی به معنای رضایت آمریکا و کسب حمایت آن است». به همین جهت کشورهای عربی نسبت به اقدام آمریکا برای انتقال سفارت خود از تل‌آویو به قدس سکوت نمودند و برخی دیگر نیز از این اقدام حمایت کردند.

۱۱. درگیر بودن اعراب با بحران‌های داخلی

دومین دلیل تشدید روند عادی‌سازی روابط میان تل‌آویو و پایتخت‌های عربی را می‌توان به وجود بحران‌های داخلی در کشورهای عربی مرتبط دانست؛ به عنوان مثال، قتل جمال خاشقجی موجب شکل‌گیری بحران جدیدی برای عربستان سعودی شد و محمد بن سلمان که گفته می‌شود صادرکننده دستور این قتل بوده را با تنگنایی سخت مواجه کرد. اما ولیعهد سعودی با پشتیبانی و حمایت‌های آمریکا و رژیم صهیونیستی توانست از این بحران عبور کند (نجات، ۱۳۹۷، ص ۳). عربستان سعودی به منظور تضمین چتر حمایت غرب و کسب حمایت و پشتیبانی آمریکا از برنامه‌ها و جاه‌طلبی‌های خود سعی دارد از طریق عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی حمایت‌کننده و لابی‌های متنفذ و قدرتمند صهیونیستی در آمریکا، اروپا و سایر کشورها را جذب نماید. هم‌اکنون نیز، بحران با برقراری روابط رسمی با رژیم صهیونیستی و روابط نامحدود با آمریکا می‌خواهد، با دست بازتر و آزادی عمل بیشتری به سرکوب مردم ادامه دهد.

۱۲. تضعیف ایدئولوژی ضد صهیونیستی ایران

براساس نگرش ایدئولوژیکی، تهدیدهای رژیم صهیونیستی بر ضد امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، ناشی از تقابل ایدئولوژیکی و فکری است و این تهدیدها مستمر بوده و تنها شکل تهدید است (شمس دولت‌آبادی و همکاران، ۱۳۹۸، ص ۲۶). تهدید دیگر، عادی‌سازی به ایدئولوژی ضد صهیونیستی ایران مربوط می‌شود. ایدئولوژی اساسی جمهوری اسلامی ایران در مورد موجودیت رژیم صهیونیستی و ویژگی درگیری‌های دایر در فلسطین اشغالی برای جمهوری اسلامی ایران، یک مسئله اسلامی مرکزی و مهم محسوب می‌شود. از این‌رو، مطرح‌شدن رژیم صهیونیستی در افکار عمومی منطقه به عنوان شریک سیاسی و راهبردی کشورهای عربی می‌تواند باعث مشروعیت‌بخشی به

سیاست‌های تل‌آویو شود و ایدئولوژی ضد صهیونیستی جمهوری اسلامی را تضعیف کند. در همین راستا، این احتمال وجود دارد که عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی و خارج شدن آن از حالت تابو، به انزوای نسبی جمهوری اسلامی ایران در منطقه و حتی در جامعه بین‌المللی منجر گردد. از طرف دیگر، یکی از اهداف مهم رژیم صهیونیستی از عادی‌سازی روابط با امارات و بحرین، فراموشی موضوع فلسطین است (عالیشاهی و همکاران، ۱۳۹۹، ص ۱۴۸). آنها از هر فرصتی برای تثبیت رژیم صهیونیستی در منطقه و فراموشی حقوق فلسطینیان استفاده می‌کنند. مسلماً عادی‌سازی روابط اعراب و رژیم صهیونیستی شکاف دیرینه را در منطقه غرب آسیا آشکار کرد. بدین‌سان، در طول دهه‌ها، بسیاری از کشورهای عربی در گفتار و تبلیغات به رژیم صهیونیستی حمله کردند، اما در واقع رویکردهای دوجانبه فردی را در روابط با این کشور دنبال نمودند.

۱۳. وجود شکاف و جدایی در میان کشورهای عربی

آنچه در روابط میان دولت‌ها از اهمیت برخوردار است، برداشت آنها از یکدیگر به عنوان تهدید است، نه صرف میزان قدرت هر یک از آنها (عباسی و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۱۷۸). عربستان سعودی طی سال‌های گذشته از تمامی امکانات خود برای تضعیف محور مقاومت و جمهوری اسلامی ایران استفاده کرده است. ریاض در تمامی حوزه‌ها از جمله امنیتی، نظامی، اقتصادی، نفتی از هیچ تلاشی برای ضربه وارد کردن به ایران به عنوان بازوی اصلی محور مقاومت در منطقه دریغ نکرده است. اما سعودی‌ها به جز امکانات مالی و رسانه‌ای، ظرفیت دیگری برای مقابله با محور مقاومت ندارند. به غیر از چند کشور معدود در جهان عرب که از عربستان سعودی کمک‌های مالی دریافت می‌کنند، سایر کشورها نگاه مثبتی به ریاض ندارند. در واقع عربستان سعودی در ایجاد یک ائتلاف عربی علیه محور مقاومت و ایران، با ناکامی بزرگی مواجه شد. از این‌رو، این کشور به دنبال متحد منطقه‌ای قدرتمند جهت مقابله با جمهوری اسلامی ایران و محور مقاومت در منطقه است؛ لذا، پس از ایجاد تنش در روابط ریاض - آنکارا و روابط ریاض - دوحه، مقامات سعودی به دنبال اتحاد و ائتلاف با رژیم صهیونیستی برآمدند. طی چند سال گذشته به ویژه بعد از بحران سوریه و شکل‌گیری بحران قطر، شکاف جدیدی در میان کشورهای عربی به وجود آمد. بدین ترتیب، صف‌آرایی کشورها میان یکدیگر و دو قطبی شدن کشورهای جهان عرب موجب شد که برخی از این کشورها مسابقه جدیدی را برای برقراری رابطه با رژیم صهیونیستی آغاز کنند.

۱۴. ایجاد تغییر در موازنه قدرت منطقه‌ای

از دیگر تبعات منفی عادی‌سازی روابط کشورهای عربی و رژیم صهیونیستی برای جمهوری

اسلامی ایران، می‌توان به ایجاد تغییر در موازنه قدرت منطقه‌ای به ضرر جمهوری اسلامی ایران اشاره کرد. همانطور که قبلاً اشاره شد، عربستان سعودی همواره به دنبال یافتن متحد منطقه‌ای قدرتمند جهت مقابله با قدرت و نفوذ جمهوری اسلامی ایران و محور مقاومت بوده است. لذا پس از ناکامی محور ریاض، مقامات سعودی اتحاد با رژیم صهیونیستی را دنبال نمودند. در صورت عادی‌سازی روابط و شکل‌گیری ائتلاف رسمی بین رژیم صهیونیستی و کشورهای عربی، توازن قوا در سطح منطقه‌ای دچار دگرگونی و دگردسی خواهد شد. در واقع از آنجا که اتحاد کشورهای عربی و رژیم صهیونیستی موجب ایجاد انشقاق در جهان اسلام و تغییر الگوهای دوستی و دشمنی در منطقه می‌گردد، این امر می‌تواند به ضرر منافع ملی جمهوری اسلامی ایران باشد.

بر پایه نظریه موازنه تهدید، توانایی دولت‌ها برای اعمال قدرت با افزایش فاصله، کاهش می‌یابد. در نتیجه دولت‌های نزدیک‌تر نسبت به دولت‌های دورتر تهدیدآمیزتر خواهند شد (جانسیز و همکاران، ۱۴۰۰، ص ۱۷۰). ایران، حمایت و پشتیبانی خود از بازیگران غیردولتی در سراسر جهان عرب مانند حزب‌الله، حوثی‌ها (انصارالله) و شبه نظامیان مختلف را، اقدام رو به جلو در برابر دسیسه‌های احتمالی آمریکا و رژیم صهیونیستی توصیف می‌کند. این ادعا به تبع آن است که روابط امنیتی آمریکا با عربستان سعودی و سایر کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس ذاتاً برای ایران تهدیدکننده است و چون همه دولت‌ها در سیاست خارجی خود بر مبنای ترکیبی از انگیزه‌های تدافعی و تهاجمی عمل می‌کنند؛ در نتیجه، باور رهبران ایران به تهدید آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه تهران بدون شک واقعی است و شواهد زیادی برای تأیید آن وجود دارد.

۱۵. نتیجه‌گیری

عادی‌سازی روابط در بهترین حالت از سطح روابط رژیم صهیونیستی با دولت‌ها فراتر نخواهد رفت و به سطح ملت‌ها نخواهد رسید. رژیم صهیونیستی در شرایط ذلت کشورهای عربی دریافته‌اند، که زمینه دستیابی به منافع نفت کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس و تسلط بر این کشورها و اقتصاد آن فراهم است. بهانه دیگر رژیم صهیونیستی، ایران‌هراسی و اجماع حول محور تقابل با جمهوری اسلامی است. رشد قدرت ایران، ریاض و متحدان سلطنتی خلیج فارس را به گسترش روابط امنیتی با آمریکا و رژیم صهیونیستی سوق داد. شکل‌گیری روابط رسمی بین کشورهای عربی و رژیم صهیونیستی به ضرر منافع ملی ایران است و موجب ایجاد انشقاق در جهان اسلام و تغییر الگوهای دوستی و دشمنی در منطقه می‌گردد. از این رو، جمهوری اسلامی ایران می‌بایست مانع از عادی‌سازی روابط و شکل‌گیری این اتحاد شود. چالش امنیتی در منطقه خلیج فارس همواره وجود داشته و این به آن معناست که احتمال تشدید تنش و حتی درگیری مستقیم میان بازیگران منطقه، از جمله ایالات

متحده، برای همیشه وجود دارد. پس احتمال دارد که رهبران عربستان سعودی و امارات نیز، با بررسی جایگاه ایران در سراسر شرق عربی و توسعه برنامه هسته‌ای این کشور، در نوع روابط خود تجدیدنظر کنند.

نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد که اعراب با تأکید بر تهدیدات امنیتی ایران به توسعه روابط خود با رژیم صهیونیستی به دلایلی از جمله حمایت آمریکا از عادی‌سازی روابط، درگیر بودن اعراب با بحران‌های داخلی، تضعیف ایدئولوژی ضدصهیونیستی ایران، وجود شکاف و جدایی در میان کشورهای عربی و ایجاد تغییر در موازنه قدرت منطقه‌ای در سطح همکاری‌های مختلف نظامی، سیاسی و اقتصادی پرداخته‌اند و الگوی رفتاری موازنه تهدید را بهترین رویکرد در قبال جمهوری اسلامی ایران می‌دانند. به نظر می‌رسد، مسئله عادی‌سازی روابط اعراب و رژیم صهیونیستی همچون دیگر توطئه‌های مثلث غربی-عبری-عربی چند دهه گذشته، با شکست مواجه شده است و این توطئه، موضوع نگران‌کننده‌ای نخواهد بود؛ زیرا دیر یا زود، به رسوایی کشورهای هم‌پایه با رژیم صهیونیستی و فروپاشی این مناسبات جعلی، منتهی خواهد شد. با عنایت به این مسئله که عادی‌سازی روابط در بهترین حالت از سطح روابط رژیم صهیونیستی با دولت‌ها فراتر نخواهد رفت، پیشنهاد می‌گردد، جمهوری اسلامی ایران با دیپلماسی فعال سعی نماید، مسئله فلسطین را زنده نگه دارد و همچنین به حکومت‌های عربی متذکر شود که به صدای ملت‌هایشان که مخالف عادی‌سازی روابط با اشغالگران رژیم صهیونیستی هستند، گوش فرادهند.

منابع

- آقازاده، سید علی (۱۳۹۹/۶/۲۶). چهار هدف عادی‌سازی روابط عرب‌ها با رژیم صهیونیستی. *روزنامه دنیای اقتصاد*.
 جانسیز، احمد؛ اعجازی، احسان (۱۴۰۰). تحلیل رابطه ایران و ایالات متحده آمریکا از منظر موازنه تهدید (۲۰۲۱-۲۰۱۶). *سیاست جهانی*، ۱۰(۳۵)، ص ۱۹۶-۱۶۳.
- جکسون، رابرت؛ سورنسون، گنورک (۱۳۹۰). *درآمدی بر روابط بین‌الملل*. ترجمه مهدی ذاکریان، احمد تقی‌زاده و حسن سعید کلاهی. تهران: نشر میزان.
- حاجی یوسفی، امیرمحمد؛ نعمتی، امیرحسین (۱۳۹۸). *صف‌آرایی عربستان سعودی با اسرائیل از نگاه نظریه‌های روابط بین‌الملل*. تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، شماره ۴۰، ص ۸۹-۷۰.
- دهشیار، حسین (۱۳۹۱). *سیاست خارجی آمریکا، خاورمیانه و دموکراسی*. تهران: خط سوم.
- دویچ، کارل (۱۳۷۵). *نظریه‌های روابط بین‌الملل*. ترجمه وحید بزرگی. تهران: نشر جهاد دانشگاهی.
- رجبی ده برزونی، اصغر؛ بیدگلی، محمد (۱۴۰۱). *ایران رژیم صهیونیستی فراز و فرود*. تهران: انتشارات کیان دانش.
- ساروخانی، باقر (۱۳۸۹). *روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی (اصول و مبانی)*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- سیف‌زاده، سید حسین (۱۳۸۴). *نظریه‌ها و تئوری‌های مختلف در روابط بین‌الملل فردی-جهانی شده: مناسبت و کارآمدی*. تهران: وزارت امور خارجه، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- شمس دولت‌آبادی، سید محمود رضا؛ عسگری، مهدی (۱۳۹۸). *تاثیر ژئوپلیتیک سوریه بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران در مواجهه با رژیم صهیونیستی*. *امنیت ملی*، ۹(۳۳)، ص ۵۲-۲۵.
- عابدی، سجاد (۱۴۰۱/۶/۱۶). *تاثیر استراتژی نظامی اسرائیل بر امنیت ایران*. *خبرآنلاین*. قابل دسترس در: yun.ir/jm82te
- عالیشاهی، عبدالرضا؛ فروزان، یونس؛ سلیمانی سوچلمانی، حمید (۱۳۹۹). *تاثیر ائتلاف راهبردی امارات و رژیم صهیونیستی بر امنیت خلیج فارس*. *آفاق امنیت*، شماره ۴۹، ص ۱۶۹-۱۴۷.
- عباسی، مجید؛ قیاسی، امیر؛ باباجانی‌پور، زهرا (۱۳۹۲). *راهبرد اتحاد پیرامونی رژیم صهیونیستی و نظریه موازنه تهدید در روابط بین‌الملل*. *سیاست خارجی*، ۲۷(۱)، ص ۱۹۸-۱۷۵.
- عبدالله خانی، علی (۱۳۸۳). *نظریه‌های امنیت*. تهران: انتشارات موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
- عبداللهی، علی (۱۳۹۹/۶/۳۰). *پیامدهای عادی‌سازی روابط کشورهای عربی منطقه بر محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران*. *خبرگزاری ایسنا*. قابل دسترس در: yun.ir/wo79ab
- عرب‌گری، محمد (۱۴۰۱/۱/۲۸). *خیانت عربی*. سایت دیپلماسی ایرانی.
- فردوسی‌پور، مجتبی (۱۳۹۹). *بررسی توافق امارات متحده عربی و رژیم صهیونیستی*. تهران: مرکز مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- قوام، عبدالعلی (۱۳۸۴). *اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل*. تهران: انتشارات سمت، چاپ یازدهم.
- کمالی، محمدرضا؛ الهامی، امیرحسین؛ نبی‌زاده، بابک (۱۴۰۰). *روابط سیاسی رژیم صهیونیستی و کشورهای حوزه*

- خلیج فارس و تاثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران. *مطالعات دفاع مقدس*، ۷(۴)، ص ۱۷۸-۱۵۵.
- لیتل، ریچارد (۱۳۸۹). *تحول در نظریه‌های موازنه قوا*. ترجمه غلامعلی چگنی‌زاده. تهران: انتشارات موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
- مختاری، عبدالله (۱۳۹۹). ابعاد نفوذ رژیم صهیونیستی در جمهوری آذربایجان از منظر تاثیرگذاری بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران. *امنیت ملی*، ۱۰(۳۷)، ص ۱۵۰-۱۲۷.
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۶). *تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل*. تهران: انتشارات سمت.
- مصلی‌نژاد، عباس (۱۳۹۰). *مجموعه مقالات همایش سیاست خارجی ایران در خاورمیانه*. تهران: دانشگاه تهران.
- نجات، سید علی (۱۳۹۷). *تسریع روند عادی‌سازی روابط اسرائیل با کشورهای عربی؛ دلایل و پیامدها*. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.